



# محبت در عین قدرت

سنجیده باشد و در تدریس و ادارهٔ کلاس، توانا و بامهارت باشد. یا اگر خداوند صفاتی مانند «مهربانی» و «لطافت» دارد، او نیز در ارتباط با دانش‌آموزانش مهربان و برخورددار از لطافت و ظرافت رفتاری باشد و در مواقع لازم نیز ویژگی اقتدار و صلابت را داشته باشد؛ همان‌گونه که خداوند از صفت «عزت» و «جباریت»<sup>۱</sup> برخورددار است.

به همین دلیل، لازم است معلمی که در مقام بسیار مهم آموزش و پرورش نسل‌های نوپای جامعهٔ اسلامی قرار می‌گیرد، مظهر صفات الهی باشد و به تعبیری دیگر، رفتارهای تعلیمی و تربیتی او برخاسته از صفات متعالی خداوند باشد؛ برای مثال، اگر خداوند «علیم»، «حکیم» و «قدیر» است، او نیز در حیطةٔ کاری خود عالم و باسواد و سخنانش حکیمانه و

تعلیم و تربیت انسان‌ها و به کمال رساندن آن‌ها کاری خدایی است و اگر انسان‌هایی مانند پدر و مادر یا معلمان و مربیان چنین وظیفه‌ای را عهده‌دار می‌شوند، از طرف خداوند و با استفاده از علم و انرژی الهی آن را انجام می‌دهند و ما به خواست خدا در تبیین آیة «الحمد لله رب العالمین» و بیان ربوبیت الهی، بیشتر از آن سخن خواهیم گفت.

## ◀ صفات جمال و جلال خداوند

خداوند متعال دو دسته صفت دارد: «صفات جمالی» و «صفات جلالی». «صفات جمالی» از جنس لطافت، ظرافت، عشق و زیبایی هستند و «صفات جلالی» از جنس قدرت، عظمت، تدبیر و عزت<sup>۱</sup>. در قرآن کریم، از هر دو دسته صفات الهی به صورت مکرر و در آیات گوناگون سخن به میان آمده است.

روشن است که اقتضای صفات جمالی خداوند، لطف، رحمت، بخشش و دوستی خداوند نسبت به بندگان است و اقتضای صفات جلالی خداوند، عظمت، حکمت، مدیریت مخلوقات و وجود قوانین و سنن الهی در آفرینش است که تخطی از آن‌ها سبب تنبیه و مجازات در آخرت یا دنیا می‌شود. آیات مربوط به «بهشت» و «جهنم» که در قرآن کریم آمده‌اند نیز با این دوگونگی صفات الهی مرتبط هستند. در اینجا این سؤال اساسی مطرح می‌شود که کدام یک از این صفات الهی اصالت و اولویت دارند و ما باید به کدام یک از آن‌ها توجه و عنایت بیشتری داشته باشیم؟

## ◀ اصالت و اولویت صفات جمالی خداوند

پاسخ این سؤال را خداوند به صورت اجمالی داده است و با آوردن دو صفت جمالی «رحمان» و «رحیم» در «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و آوردن این آیه در آغاز سوره حمد و دیگر سوره‌های قرآن<sup>۲</sup>، به ما نشان داده که اصالت و اولویت با صفات جمالی خداوند و امید و اشتیاق ما به فضل الهی است.

در دعا‌های رسیده از معصومان (ع) فرازهایی آمده‌اند که بازگشت غضب خداوند به رحمت و مهربانی او را با صراحت تأیید می‌کنند: مثلاً در دعای امام سجاد (ع) آمده است: «انت الذی تسعی رحمته امام غضبه» (صحیفه

سجاده/ دعای ۱۶): بار الها! تو همانی که رحمتش پیشوا و راهبر غضب اوست. و در دعای عظیم‌الشأن جوشن کبیر که در ماه مبارک خوانده می‌شود، آمده است: «یا من سبقت رحمته غضبه»: ای خدایی که رحمتش از غضبش پیشی گرفته است.

اکنون با این پرسش مواجه می‌شویم که اگر اصالت با صفات جمالی خداوند است و خداوند از روی لطف و رحمتش ما و جهان را آفریده و می‌خواهد ما را به کمال برساند و در جهان دیگر نیز بهشت را برای ما آفریده، پس خوف و ترس از جهنم و مجازات الهی به چه معناست و چرا خداوند از غضب خود سخن گفته و ما را از جهنم ترسانده است؟

پاسخ آن است که غضب و مجازات خداوند و ترساندن از آن‌ها، همگی به رحمت خداوند و مهر او باز می‌گردد، زیرا اگر مجازات الهی و ترس از آن نباشد، ما انسان‌ها دچار طغیان یا غفلت می‌شویم و به سبب جذب شدن طبیعی به خواسته‌های غریزی، در مسیر رشد و کمال انسانی و الهی خود قرار نمی‌گیریم و این همانند تهدید معلم مهربانی است که برای درس‌خوان شدن و ادب‌آموزی شاگردانش، آن‌ها را از عواقب ناگوار تنبلی و توبیخ‌های خود می‌ترساند و در صورت تخطی برخی از شاگردان، آن‌ها را تنبیه<sup>۳</sup> می‌کند تا از روش نادرست خود بازگردند و دیگران نیز از آنان درس بگیرند و مسیر درست زندگی را در پیش گیرند.

## ◀ معلمی، آیین مهر و لطافت

بنابراین، وظیفه نخست هر معلمی آن است که مواجهه‌ای مهرآمیز و از سر لطف با شاگردان خود داشته باشد و فضای دوستی و صمیمیت را بر کلاس درس حاکم کند تا رشد علمی و تربیتی شاگردان براساس اختیار و انتخاب آگاهانه و شادمانه آنان باشد (نه متأثر

از ترس و ارعاب) و البته ابهت و احترام داشتن معلم برای شاگردان و وجود نظم و انضباط و برخوردهای سنجیده و آگاهی‌بخش با شاگردان نیز امری لازم و بدیهی است.

همان‌طور که در مباحث گذشته اشاره شد، تربیت دینی عبارت است از «مهبیا کردن شرائط مناسب برای شکوفایی هماهنگ استعدادهای درونی فرزندان و یاری رساندن به آنان برای رسیدن به کمال انسانی خود براساس طرح الهی». نکته مهمی که در این تعریف نهفته و محققان بزرگی همچون شهید مطهری (ره) بر آن تأکید ورزیده‌اند، آن است که کمال‌یابی انسان، برخلاف حیوانات، غریزی نیست و نیازمند خواست و میل درونی و آگاهانه اوست. خداوند انسان را موجودی ذو وجوه و صاحب تعقل و دارای حق انتخاب آفریده است. به همین سبب، شکوفایی استعدادهای درونی و کمال‌یابی او نمی‌تواند امری جبری و تحمیلی باشد. لذا تربیت براساس «جبر» یا بر محور «ترس»، تربیتی واقعی و متناسب با شأن انسانی نیست و او را به کمال شایسته‌اش نمی‌رساند. ■

### پی‌نوشت‌ها

۱. «جباریت» خداوند دو معنا دارد. یکی به معنای جبران‌کننده کاستی‌ها برای بندگان که صفاتی جمالی و مهرآمیز است و دیگری به معنای اقتدار و به اجرا درآورنده کار لازم بدون ملاحظه خواست دیگران یا بدون تأثیرپذیری از عاطفه افراطی درونی.
۲. درباره «صفات جمال و جلال»، دو اصطلاح وجود دارد: در علم کلام، صفات ثبوتی خداوند را صفات جمالی و صفات سلبی را صفات جلالی گفته‌اند، اما در علم عرفان، این اصطلاح از دقت و تناسب بیشتری برخوردار است. اهل عرفان، به صفاتی که حاکی از لطف و رحمت و جمال الهی‌اند، «صفات جمالی» می‌گویند و صفاتی را که حکایت از قهر و عظمت و جلال الهی دارند، «صفات جلالی» نامیده‌اند.
۳. غیر از سوره براءت که برای اعلان براءت و بیزاری خداوند نسبت به مشرکان است و آمدن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» در آغاز آن تناسب ندارد.
۴. واژه «تنبیه» در لغت به معنای «آگاه‌سازی» است و به همین دلیل هرگونه برخوردی با مرتبی و شاگرد باید به هدف آگاه‌سازی او صورت گیرد.